

راهکارهای نوین تعلیم و تربیت

علی اصغر ماشینچی * صادق نوروز مصرمی، فاطمه زارعی

استادیار و عضو هیات علمی. گروه علوم تربیتی. واحد لامرد. دانشگاه آزاد اسلامی. لامرد. ایران

دانشجوی دکتری تخصصی گروه علوم تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد لامرد. ایران

دانشجوی دکتری تخصصی گروه علوم تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد لامرد. ایران

Sadeghnorouz.1192@gmail.com

چکیده

امروزه تلاش برای تدوین فلسفه تربیتی کارآمد و نیز تربیت فلسفی سرلوحه ی اکثر سازمانهای آموزشی و برنامه ریزان درسی شده است. تربیت فلسفی گونه یی از رویکردهای تربیتی است که بدنبال آماده کردن نسلی نواندیش، منتقد و سازنده است که بتوانند مسائل اساسی زندگی را موشکافانه تحلیل نماید و از این خاک، جهان دگری بسازند. طبیعی است روند تعلیم و تربیت باید بگونه یی هدایت شود که بتواند ذهن و اندیشه فراگیران را با برنامه های مدون و مبتنی بر روشهای خاص، طوری پرورش دهد که فراگیران بتوانند به تعامل با محیط زندگی و علم و دانشی که می آموزند بپردازند. در این میان، نظر حتمی آن است که تمام عناصر نظام تعلیم و تربیت مخصوصاً معلمان، موثرترین و کارسازترین مؤلفه های تأثیرگذار بر فرایند فلسفی هستند. عملکرد و سلوک حرفه یی معلم بیش از هر چیز در روشهای یاددهی و یادگیری که او بخدمت می گیرد متجلی است. معلم اثربخش، امروزه باید دنیای متفاوتی برای فراگیران ترسیم کند و دغدغه او باید جلب توجه فراگیران به جهان پیرامون و لزوم یادگیری مداوم درباره ی آن و از همه مهمتر ایجاد روح و ذهن فلسفی در ضمیر متربیان باشد. تربیت فلسفی در نظام تعلیم و تربیت رسمی، غالباً بمدد معلم می تواند تحقق ماهوی بیابد. از اینرو می توان گفت کارایی و اثربخشی نظامهای آموزشی در گرو میزان توجه به این هدف آرمانی است. سازمانهای آموزشی باید در گام نخست، مولفه های مؤثر بر تربیت فلسفی را شناسایی کنند و در گامهای بعد، عناصر تعلیم و تربیت را بگونه یی سازماندهی و هدایت کنند که بتوان آنها را بسترهای مناسبی برای رویش جوانه های این نوع تربیت در وجود فراگیران ارزیابی کرد. البته لازم به ذکر است که فراگیران علاوه بر محیط مدرسه در معرض محیط های دیگری نیز قرار دارند که هر کدام نقشهای تربیتی و خصایص خاص خود را دارند. نوشتار حاضر بدنبال آن است که تحقق تربیت فلسفی را در یکی از زیرمجموعه های حساس و موثر آموزشی یعنی مرحله و فرایند اجرای برنامه های درسی و روشهای تدریس مورد تحلیل قرار دهد.

بیان مساله

آموزش یکی از مسائل بسیار مهم نظام های تعلیم و تربیت است. منظور از آموزش، فرآیند دو سویه یاددهی - یادگیری اطلاعات، مهارت ها و نگرشهای مثبت درباره موضوعی است که متناسب با گروه سنی خاص و در شرایط زمانی معین به اجرا در آمده است. امروزه هدف از تعلیم و تربیت تنها انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل جدید نیست. بلکه رسالت نظام های آموزشی را ایجاد تغییرات مطلوب در نگرش ها شناخت ها و در نهایت رفتار انسان ها دانسته اند. روشهای تدریس نیز به عنوان یکی از عوامل، به کمک این رسالت آمده است. هدف نهایی تدریس به وسیله مجموعه ای از تکالیف مشتمل بر آگاهی و معلومات مشخص و ساخت فکری و فرآیندهای شناختی تعیین شده است. این مقاله به روشهای نوین تدریس پرداخته است. ابتدا روش تدریس به دو دسته روش تاریخی و روش نوین تقسیم شده است. همچنین نمونه هایی از روشهای نوین تدریس و مراحل و کاربرد آن که شامل روش تدریس بارش مغزی، روش تدریس بدیعه پردازی، روش تدریس حل مسأله، روش تدریس غیر مستقیم/مشاوره ای، روش تدریس ایفای نقش، روش تدریس گردش علمی، روش تدریس کاوشگری و روش تدریس آموزش به وسیله رایانه به عنوان نمونه هایی از روشهای نوین تدریس مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان نشان داده شده است که هیچ یک از روش های تدریس فی نفسه خوب یا بد نیستند، بلکه نحوه و شرایط استفاده از آنها باعث قوت یا ضعفشان شده است.